پژوهشنامهٔ قرآن و حدیث

Pazhouhesh Name-ye Quran Va Hadith

شمارهٔ ۲۸، بهار و تابستان ۱۴۰۰
صص ۱۸۳ـ۱۶۷ (مقاله پژوهشی)

No. 28, Spring & Saummer 2021

واکاوی اندیشه اعجاز قرآن براساس نظام‌های تحلیل گفتمان

علیرضا طبیبی[۱]، فاطمه دست‌رنج[۲]، منصوره عرب[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۹/۸/۱۴ ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۹/۹/۱۸)

چکیده

قرآن کریم به عنوان معجزه پیامبر خاتم(ص) از جهاتی چند دارای اعجاز است. نظریهٔ اعجاز قرآن به عنوان ساختاری گفتمان‌مدار، مبتنی بر مبحث تحدّی در قرآن است. اهمیّت این مبحث به عنوان مرجع مهمِ نظریهٔ اعجاز قرآن و نیز ارتباطی که این مبحث با دانش‌های زبانی دارد سبب شد مقولهٔ اعجاز در آیات تحدّی را بر اساس نظام‌های تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار دهیم. نتایج پژوهش حاضر که به روش توصیفی-تحلیلی صورت گرفت حاکی از آن است که تحدّی یک گفتمان دو سویه است که با گفتمان رخدادی از نوع مشیّت الهی، آغاز شده و گفته‌یابان را باخبر می‌سازد که قادر نخواهند بود مثل قرآن بیاورند. سپس گفته‌یابان در مقابل یک نظام هوشمند از نوع کنشی و برنامه‌مدار قرار می‌گیرند، در این مسیر با اشاره به عدم امکانِ اثبات صدق ادّعای منکران، توانش آنان در یک گفتمان احساسی از نوع تنشی-عاطفی تحریک شده و آنان در مسیر تحدّی سوق داده می‌شوند. در این آیات، گفته‌یابان می‌توانند سایر همفکران خود را نیز با خود همراه کنند و این امر نشان از نظام گفتمان هوشمند از نوع القایی میان منکران دارد تا با استفاده از راهکارهایی، با دعوت سایرین توان خود را در این مبارزه تقویت نمایند. هرچند نتیجهٔ این گفتمان، حاکی از عدم موفقیت گفته‌یابان در همانندآوری است.

کلید واژه‌ها: إعجاز قرآن، تحلیل گفتمان، گفتمان رخدادی، گفتمان هوشمند، گفتمان احساسی.

---

۱. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران (نویسنده مسئول)؛ a-tabibi@araku.ac.ir
۲. استادیارگروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ F-dastranj@araku.ac.ir
۳. دانش آموخته کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه اراک، اراک، ایران؛ Arab.hm@yahoo.com

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

۱- مقدمه و بیان مسأله

زبان، بازنمود نظامی از مفاهیم و اندیشه‌ها است که در قالب گفتار و متن به عنوان ابزار ارتباطی مطرح است؛ یکی از ثمرات تحلیل‌گفتمان و کاربست آن در مطالعات قرآنی، استنباط نظریهٔ قرآن درمورد موضوعی خاصّ، براساس الفاظ تأثیر گذارِ موجود در آن متن است. اندیشهٔ اعجاز قرآن که مُلهم از آیاتی چند در قرآن، موسوم به آیات تحدّی است به عنوان ساختاری گفتمان‌مدار، دارای ویژگی های زبانشناختی و جامعه شناختی است که تحلیل نظام‌های گفتمانی و تبیین آن باعث صراحت بیشتر متن و برجسته‌سازی بخشی‌های کلیدی گفتمان اعجاز می‌شود. آنچه در تحدّی به عنوان وجهی از اعجاز قرآن مطرح است، هماوردطلبی حق تعالی نسبت به منکران و کافرانِ به کتاب الهی است به نحوی که از آنان خواسته می‌شود جهت صدق ادّعای خود، مثل قرآن (الاسراء، ۸۸)، مثل یک سوره (یونس، ۱۰ و البقره، ۲۳)، مثل ده سوره (هود، ۱۳)، و یا گفتاری مثل قرآن (الطور، ۳۴) را بیاورند.

با توجه به اهمیّت مبحث تحدّی و وجوه مختلف آن به عنوان مرجع مهمِ اعجاز قرآن و نیز ارتباطی که این مبحث با سایر دانش‌ها به ویژه دانش‌های زبانی دارد می‌توان از ظرفیّت آنها در این‌گونه مطالعات بهره برد. در این میان، مقولهٔ تحلیل گفتمان (Discurse analysis) از جمله حیطه‌هایی است که به ما این امکان را به ما می‌دهد که به گونه‌ای روشمند مطالعات خود را پیگیری نماییم. تحلیل گفتمان روشی تحلیلی ـ کیفی (Qualitative research) است که برای فهم محتوا و ساختار مورد استفاده قرار می‌گیرد. هدف این روشِ تحلیل، سامان دادن، نظام‌مند کردن و استفادهٔ بهینه از مؤلفه‌هایی نظیر تحلیل واژگان و اصطلاحات، بررسی انسجام متن، سیاق و بررسی روابط بینامتنی است که معنای مرکزی متن را سامان می‌دهند (شکرانی، ۹۹). در گفتمان، تعاملی میان گفته‌پرداز (enunciator) و گفته‌یاب (enunciate) صورت می‌گیرد، در حقیقت در اینجا گفته‌یاب (مخاطب گفتمان) از مؤلفه‌هایی که در بالا ذکر شد بهره می‌برد تا به گفتمان مطرح شده توسط گفته‌پرداز (فاعل گفتمان) پی ببرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

تعامل و ارتباطی که میان دو طرف گفتمان روی می‌دهد دارای انواعی است که از آن به نظام گفتمانی (Discourse system) تعبیر می‌شود. این نظام‌های گفتمانی شامل نظام گفتمانی هوشمند، احساسی و رخدادی هستند. آنچه در پژوهش حاضر مدّنظر است، تطبیق آیات تحدّی به عنوان مرجع و مدرکِ مهمّ اندیشهٔ اعجاز با این نظام‌های گفتمانی است.

بنابراین در این پژوهش با رویکرد توصیفی- تحلیلی بر آن هستیم تا با عنایت به گفتمان قرآنی اعجاز، به این پرسش پاسخ دهیم که اندیشهٔ اعجاز از کدام یک از نظام‌های تحلیل گفتمان تبعیّت می‌کند؟ از این‌رو در این پژوهش، متنِ محوریِ موردِ بررسی، آیات تحدّی است.

در رابطه با پیشینهٔ این موضوع، لازم به ذکر است از آنجا که ریشه‌های قرآنی گفتمان اعجاز مبتنی بر آیات تحدّی است عمده تلاش‌ها در مبحث آیات تحدّی جهت کشف ترتیب و سیر نزول آیات تحدّی است. مانند مقاله «بررسی سیر تنزیلی آیات تحدّی» و نیز مقاله «واکاوی ملاک تحدّی و نقد منطق تنزّلی» و اگرچه برخی مانند آقای صانعی‌پور در مقاله «راز تحدّی‌های گوناگون قرآن براساس دیدگاه‌های معناشناختی ایزوتسو» با رویکرد معناشناسی به آیات تحدّی پرداخته است اما هیچ پژوهشی از منظر نظام‌های تحلیل گفتمان به این مبحث ورود نکرده است.

۲- مفهوم‌شناسی

۲-۱. تحدّی

واژه تحدّی را از ریشه «حدی و حدو» می‌دانند. طریحی آن را از ریشه «حدی» دانسته و گفته «حَادَیْتُ فلانا: إذا باریته و نازعته فی فعله لتغلبه» تحدّی زمانی گفته می‌شود که با کسی در عملی مسابقه بدهی و منازعه‌نمایی تا بر او غلبه نمایی (طریحی، ۹۷/۱). ابن فارس نیز آن را از ریشه «حدو» دانسته و بیان می‌کند اصل واحدی دارد که راندن است، گفته می‌شود «حدا بابله» یعنی شترش را راند و برایش آواز خواند و قول عرب که می‌گوید «یتحدّی فلاناً» زمانی است که با او برای پیروزی مسابقه داده و مبارزه کند. تحدّی از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

همین اصل گرفته شده است. زیرا کسی که تحدّی می‌کند، گویا مخاطب خود را بـه مبـارزه سوق می‌دهد (ابن فارس، ۳۵/۲).

به هرحال در معنای این واژه دعوت کردن به مبارزه نهفته است. این واژه بـه صـراحت در قرآن نیامده است. اما از برخی از آیات این مفهوم را استخراج کرده و در مباحث کلامی از آن یاد می‌کنند. در تعریف اصطلاحی تحدّی آمده است: «هر کس دیگران را بـرای عمـل یا گفتار یا نوشتار خود به مبارزه‌طلبی و همانندآوری دعوت کند، تحدّی نامیده می‌شـود و یکی از ارکان معجزه قرآن، تحدّی است» (جوادی آملی، ۱۳۸/۱).

۲-۲. انواع نظام‌های گفتمانی

تحلیل گفتمان، کشف معانی ظاهری و مستترِ جریان‌های گفتمانی است که در شکل‌هـای گوناگون زبانی و فرا زبانی آشکار می‌شوند (بشیر، ۱۴) که از آن می‌توان به عنـوان ابـزاری قدرتمند برای فهم محتوا و ساختار استفاده کرد (کـوبلی، ۶۰۰/۳). در ایـن روشِ تحلیـل، کاربرد زبان و به کارگیری زبان به مثابه کنش اهمیت دارد (یارمحمدی،۱۴۳). لذا هدف این روشِ تحلیل، سامان دادن، نظام‌مند کردن و استفاده بهینه از مؤلفه‌های نظیر تحلیل واژگان و اصطلاحات، بررسی انسجام متن، سیاق و بررسی روابط بینامتنی -که معنای مرکـزی مـتن را سامان می‌دهند- است (شکرانی، ۹۹).

تحلیل گفتمان یک فرآیند است و این فرآیند، نظام‌های گفتمانی را شکل می‌دهد که یـا از ویژگی‌های کنشی، توانشی و شَوش برخوردارند یا بـدون هـیچ توانشـی کـنش‌آفرینـی می‌کنند (شعیری، ۱۰۶). در این فرآیند، کنش به عملـی گفتـه مـی‌شـود کـه ضـمن تحقـق برنامه‌ای، می‌تواند وضعیتی را به وضعیتی دیگر تغییر دهد، شوِش نیـز از مصـدر شـدن، یـا توصیف‌کننده حالتی است که عاملی در آن قرار دارد یا بیان کننده وصال عاملی با ابـژه یـا گونه‌ای ارزشی است. عامل شوشی به واسطه رابطه پدیداری و حسی ادراکـی کـه بـا دنیـا برقرار می‌کند، معناسازی می‌کند (وفایی و شعیری، ۱۲)». بنابراین، اگر نظام گفتمانی مبتنـی

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

بر عملکرد عوامل گفتمانی باشد از اصل کنش و اگر مبتنی بـر نـوع یـا شـیوه حضـور آن عوامل باشد، از اصل شَوش پیروی می‌نماید (شعیری، ۱۰۷). با این زاویـه نگـاه مـی‌تـوان انواع نظام‌های گفتمانی را در سه دسته «هوشمند»، «احساسی» و «رخدادی» جـای داد. هـر کدام از این نظام‌ها خود دارای انواعی است. نظام گفتمانی هوشمند شامل نظام برنامـه‌مـدار (تجویزی)، القایی و مرام‌مدار است. نظام گفتمانی احساسی را می‌توان در سه دسته تنشی- عاطفی، حسی- ادراکی و زیبایی‌شناختی جای داد و در آخر نظام گفتمان رخدادی شـامل گفتمان مبتنی بر مشیّت الهی، مبتنی بر تصادف و مبتنی بر اقبال است.

۳- واکاوی منطق نزول آیات تحدّی

توجه به سطح زبانی گفتمان که در قالب گفتار یا متن است و سطح فرا زبانی که همـان نقش بسترهای فرهنگی و اجتماعی و تاثیر عوامل برون زبـانی اسـت در شـناخت معنـای کلام، نقشی اساسی ایفا می‌کند؛ از این‌رو فهم صحیح آیات الهی در گـرو شـناخت صـحیح اجزاء و ساختار جملات با توجه به اصول حاکم بر قواعد زبانی است.

آلژیرداس ژولین گریماس (۱۹۱۷-۱۹۹۲) تلاش بسیاری بـرای ایجـاد نظـامی منسـجم، استوار، منطقی و با برنامـه در راسـتای تحلیـل مـتن نمـود. گریمـاس در ایـن نظـام بـر معناشناسی روساخت و ژرف‌ساخت متون تأکید دارد و معتقد است به منظور شناخت معنای متن باید قاعده‌ها و معنای آنها را درک کرد؛ زیرا متن براساس اصولی بنیـادین شـکل گرفتـه و نظام‌مند است و طی فرآیند برش، این اصول و به تبع آن، معنا کشف می‌شود. بدین ترتیب ما بـا نظام‌های گفتمانی مختلفی با توجه به ویژگی‌های نشانه- معنایی حاکم بر آنها روبه‌رو هستیم که به سه دسته کلی: هوشمند، احساسی و رخدادی تقسیم می‌شوند (شعیری، ۴).

با وجود اختلاف فراوانی که از جنبه‌های گوناگون میان دانشمندان درباره آیات تحـدّی وجود دارد، همه آنها اندیشهٔ اعجاز را ملهم از آیات تحدّی مـی‌داننـد (روحـانی مشـهدی، ۲۴۳). لذا بازشناسی ساختارهای زبانی و معنایی آیات تحدّی و توجه به منطق نـزول آنهـا

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

بسیار ضرورت دارد. از این رو در پی روشن کردن دامنه و وجوه آیات تحدّی می‌توان گفت آنچه بیش از هر مبحث دیگری در این خصوص دیده می‌شود، تلاش برای کشف ترتیب نزول آیات تحدّی است. این امر باعث به وجود آمدن دیدگاه‌هایی در این زمینه شده است که در ادامه به اختصار بیان می‌گردد:

۳-۱. تحدّی از دشوار به آسان، بدون توجه به سیر نزول

عده‌ای بر این عقیده هستند که سیر گفتمانی آیات تحدّی از دشوارتر به آسانتر صورت گرفته است (زرکشی، ۱۱۰/۲؛ زمخشری، ۳۴۷/۲؛ رافعی، ۱۹۶). مشکلی که این دیدگاه دارد، عدم توجه به ترتیب نزول سوره هود و یونس است. در حالی‌که با توجه به روایات رسیده سوره یونس پیش از سوره هود نازل شده است (بهجت‌پور، ۲۷). به هر حال نمی‌توان برای اثبات نظر خود امری را به قرآن تحمیل نمود و مانند فخر رازی عمل کرد تا آنجا که می‌نویسد: «برای حفظ ترتیب نزول تحدّی باید سوره یونس بعد از سوره هود نازل شده باشد (فخررازی، ۱۵۴/۱۷)».

۳-۲. تحدّی از دشوارتر به آسانتر با توجه به سیر نزول

در این دیدگاه با قبول ترتیب نزول مذکور، برای اثبات سیر دشوارتر به آسانتر به توجیه موارد مسئله‌ساز پرداخته می‌شود. یکی از این موارد مسئله‌ساز، تحدّی به ده سوره پس از تحدّی به یک سوره است. در این مورد آیت الله مصباح اعتقاد دارند که آیات تحدی در مرحلهٔ اول از بشر می‌خواهد که اگر در خدایی بودن قرآن تردید دارند، کتابی همانند قرآن که دارای همهٔ امتیازات قرآن باشد، بیاورند و پس از آنکه عجزشان ثابت شد، تخفیف داده، می‌فرماید که یک سوره که از هر جهت، شبیه سوره‌های قرآنی باشد و همهٔ امتیازات یکی از سوره‌های قرآن را در بر داشته باشد، بیاورند و پس از آنکه از چنین امری نیز عاجز شدند، تخفیف داده، از ایشان می‌خواهد که ده سوره بسازند که هر کدام دارای یکی از جهات اعجاز

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

قرآن باشند؛ به طوری که مجموع آن ده سوره بتواند ویژگی یک سورهٔ قرآن را دارا باشد. بدیهی است که ساختن یک سوره شبیه سوره‌ای از قرآن در همهٔ جهات، مشکل‌تر از فراهم آوردن چند سوره است که هر یک در یک جهت شبیه قرآن باشد (مصباح یزدی، ۱۲۲/۱). البته ایشان برای نظر خود شاهد و قرینه‌ای مشخص ارائه نمی‌دهند.

۳-۳. توجه به آیات تحدّی بدون اصرار برای ترتیب

گروهی از محققان اعتقادی به ترتیب میان آیات تحدّی و لزوم تعییم سیر از دشوار به آسان ندارند. از میان آنان می‌توان به علامه طباطبایی اشاره کرد که اصراری برای بیان ترتیب آیات تحدّی ندارد. ایشان در تلاش است تا با توجه به سیاق و محتوای آیات تحدّی منطق نزول آیات را تبیین نماید. پژوهش حاضر نیز بیشتر ناظر به این نگاه است.

از سایر مباحثی که حول آیات تحدّی مطرح است توجه به دامنه تحدّی است. برای مثال آیت الله معرفت دامنه تحدّی را فراگیر دانسته، که شامل همه جهانیان و همه زمان‌ها می‌گردد (معرفت، ۲۲۵). ایشان دیدگاه کسانی مانند دکتر بنت الشاطی را که تحدّی را محدود به عصر نزول می‌داند (نکـ : بنت الشاطی، ۷۳) رد می‌کنند.

اختلاف دیگر هم در مورد وجوه تحدّی است. برخی به جنبه‌های لفظی و ادبی توجه نموده و گروهی دیگر بر معارف قرآن و ویژگی‌های هدایت‌بخشی آن تأکید کرده‌اند (پهلوان،۱۲). برخی نیز به ویژگی‌های آورنده قرآن، به عنوان وجه مورد تحدّی اشاره کرده‌اند (طباطبایی، ۵۸/۱).

از میان موارد مطرح شده آنچه در این پژوهش در صدد بیان آن هستیم، نگاهی به منطق نزول این آیات با توجه به نظام‌های تحلیل گفتمان است. این امر صرف نظر از ترتیب قائل شدن برای آیات تحدّی است که با توجه به سیاق آیات و ویژگی‌ها و حالات گفته‌یابان صورت می‌گیرد.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

٤- واکاوی انواع نظام‌های گفتمانی حاکم بر آیات تحدّی

تحدّی خود نشان دهنده رابطه دو کنشگر است، زیرا اینجا بحث از مبارزه است و مبارزه‌ای از نوع هماوردطلبی، دو سویه دارد. در آیات تحدّی به هر دو طرف گفتمان توجه می‌نماییم. یک طرف گفتمان که خداوندی است که بیان می‌دارد قرآن کلام الهی و از جانب اوست و در آیات خود قرآن و ویژگی‌های این کلام الهی را برمی‌شمرد تا کسانی که سر ستیز با آن دارند بدانند که با چه معجزه‌ای وارد مبارزه می‌شوند. در سوی دیگر گفته‌یابی است که در پی انکار این امر برمی‌آید و با ادّعای ریب، افتراه و ... زمینه هماوردطلبی را ایجاد می‌نماید. در قرآن ۵ آیه را می‌توان یافت که به این امر اشاره دارند، در ادامه به بررسی این آیات می‌پردازیم.

۱- الاسراء، ۸۸: **قُل لئِنِ اجتَمَعَتِ الانِسُ والجِنُّ عَلی اَن یَأتوا بِمِثلِ هذا القُرءانِ لایَأتونَ بِمِثلِهِ ولَو کانَ بَعضُهُم لِبَعض ظَهیرا.**

در گفتمان قرآنی، مطللوبیت (Desirability) برخی اعمال در ساختار «جملات خبری» (Declarative sentences) بیان شده و بسیاری از علما، «جمله خبری» را دال بر وجوب می‌دانند (مامقانی،۱۳۲) بنابراین ساختار این آیه منطبق با نظام گفتمانی هوشمند است که در آن، بروز معنا تابع برنامه‌ریزی و مبتنی بر اهداف از پیش تعیین شده است.

در تحلیل آیهٔ هشتاد و هشت سوره اسراء باید متذکر شد این آیه از جمله آیاتی است که دامنهٔ تحدّی را روشن می‌سازد، مخاطبان هماوردطلبی در این آیه، تمام جن و انس هستند. لذا دامنه تحدّی همه عالمیان را شامل می‌شود. «تحدّی و هم‌آورد خواستن قرآن فراگیر است، همه جهانیان را شامل می‌شود و دامنه آن برای همیشه گسترده است، همان‌گونه که برای دیروز بوده برای امروز و فردا نیز پابرجا است(معرفت، ۲۲۴)». علامه بر آن در این آیه علامه طباطبایی از اطلاق جن و انس برداشت دیگری نیز می‌کند و وجه تحدّی را روشن می‌کند. «در این آیه به روشنی و صراحت تحدّی شده است، و ظهور در این دارد که به تمامی خصوصیات قرآن و صفات کمالی که از نظر لفظ و معنا دارد

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

تحدّی شده، نه تنها به فصاحت و بلاغت لفظ آن، زیرا اگر منظور معجزه بودن لفظ آن بود دیگر معنا نداشت که همه جن و انس را دخالت دهد، بلکه باید می‌فرمود: اگر همه عرب جمع شوند نمی‌توانند به مثل آن بیاورند(طباطبایی، ۲۸۰/۱۳)».

پس از مشخص کردن دامنه و وجه تحدّی، خداوند در این آیه هماوردطلبی را به مثل قرآن «**اَن یَأتوا بِمِثلِ هذا القُرءانِ**» بیان می‌کند. سپس قید «**لایَأتونَ بِمِثلِهِ**» نشان از نتیجه کنش گفته‌یابان است. به این بیان که آنها نمی‌توانند این کار را انجام دهند هر چند در این کار ظهیر و پشتیبان یکدیگر باشند. آیت الله معرفت این امر را یک اخبار غیبی می‌داند که جز از زبان «**عالم الغیب و الشهاده**» امکان صدور ندارد (معرفت، ۲۲۴). در این آیه صحبت از گفتمان مشیّت الهی است که چیره بر سایر گفتمان‌هاست. «این گفتمان حکایت از حضور مرجعی قدرتمند دارد که منشأ اصلی همه توانش‌ها و کنش‌ها به شمار می‌رود (شعیری، ۱۱۴)». این سرآغاز آیات تحدّی است که با این نوع گفتمان آغاز می‌گردد. ابتدا توانش تمام جن و انس را تحت‌تأثیر قرار داده «**قُل لئِنِ اجتَمَعَتِ الاِنسُ والجِنُّ**» تا مثل قرآن را بیاورند و سپس از آینده‌ای خبر می‌دهد که این اتفاق رخ نخواهد داد. در انتهای آیه «**ولَو کانَ بَعضُهُم لِبَعض ظَهیرا**» نیز دوباره توانش گفته‌یابان تحریک می‌شود که آنها می‌توانند در این مبارزه ظهیر و پشتیبان یکدیگر باشند. اما آنها باید بدانند که در صورت کمک‌گیری از یکدیگر نیز موفق به آوردن مثل قرآن نخواهند شد. زیرا «در نظامی از نوع مشیّت الهی همه چیز به اراده او بستگی دارد که قبل از ورود به فرآیند تعامل باور به برتری‌اش شکل گرفته است (شعیری، ۱۱۵)». با گفتمان این آیه خداوند اراده خود را در امر تحدّی روشن می‌سازد و این آیه مقدمه‌ای می‌شود بر سایر آیات تحدّی. در این آیه توان غیر خدا بر تولید گفتاری مثل قرآن نفی می‌شود. اصولاً در ذات تحدّی این چنین گفتمانی نهفته است، ابتدا توانش طرف مقابل برای حضور در مبارزه تحریک می‌شود «اَن یَأتوا»، اما ضمن همین گفتمان، توانش او برای رسیدن به نتیجه مطلوب نفی می‌شود «**لایَأتونَ**».

نکته دیگر اینکه جریان عاطفی گاهی سبب می‌گردد تا کنشی رخ ندهد. «یک‌جا گونه

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

تنشی در خدمت حضور و یک جا هم در خدمت غیاب است (شعیری، ۱۱۱)» بـرای مثـال در سایر آیات تحدّی وقتی خداوند می‌فرماید اگر راست می‌گویید، به این معناست که شـما راست نمی‌گویید. یعنی در ادعای خود صادق نیستید و نمی‌توانید مثل قرآن بیاوریـد، پـس در اینجا جریان عاطفی سبب می‌شود تا کنشی رخ ندهد.

۲- یونس، ۳۸: **اَم یَقولونَ افتَرهُ قُل فَأتوا بِسورَهٍ مِثلِهِ وادعوا مَنِ استَطَعتُم مِن دونِ اللّـهِ اِن کُنتُم صدِقین.**

خداوند در این سوره به ذکر ویژگی‌های قرآن و تهمت‌های منکران در مورد تولیـد شـدن قرآن به دست غیر خدا «مِن دُونِ الله» می‌پردازد. در ابتدای سوره به تکذیب وحی و کلام الهـی در نظر کافران اشاره می‌کند. «**أَ کانَ لِلنّاسِ عَجَباً أَنْ أَوْحَیْنا إِلی رَجُلٍ مِـنْهُمْ أَنْ أَنْـذِرِ اَلنّـاسَ وَ بَشِّرِ اَلَّذِینَ آمَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ قالَ اَلْکافِرُونَ إِنَّ هذا لَساحِرٌ مُبِینٌ**» (یـونس/۲) تـا اینکه در آیه سی و هفتم، شبهه افترا بودن قرآن و بافته شدن قرآن توسط حضرت محمد صلّی الله علیه و آله و سلّم را رد می‌کند «**وَ مَا کانَ هَـذَا الْقُـرْءَانُ أَن یُفْتَـرَی مِـن دُونِ الله**» و در انتهـا می‌فرماید که هیچ شکی در اینکه این قرآن از سوی پروردگار جهانیان است، نمـی‌باشـد «**لَـا رَیْبَ فِیهِ مِن رَّبِّ الْعَالَمِین**». سپس در آیه سی و هشتم تحدّی خود را اعلام می‌دارد.

آیه نشان می‌دهد که مبارزه‌طلبی به خاطر ادّعای منکران بوده است. «در هماننـد آوری قرآن عنصر زاویه دید مشرکان (و نیز همه مخاطبان) نسبت بـه قـرآن دخالـت دارد. زیـرا نمی‌توانیم ادعای همانندآوری از ناحیه قرآن را فارغ از شرایط نزول و دیدگاه مخاطبان آن معنا کنیم (نجارزادگان، ۱۲۴)».

مشرکان و کافران در برابر ادّعای خود در مقابل یک نظام کنشـی و برنامـه‌مـدار قـرار می‌گیرند و به آنان امر می‌شود «قُل فَأتوا» که سوره‌ای مثل قرآن بیاورند. امـا بـرای اینکـه این نظام برنامه‌مدار به پیش برود، از گفتمان احساسی از نوع تنشـی-عـاطفی بهـره گرفتـه می‌شود. نخست در ابتدای آیه ادّعای منکران را مطـرح کـرده و در انتهـای آیـه بـا جملـه شرطیّهٔ «اِن کُنتُم صدِقین» توانش منکران را تحت تأثیر قرار داده و آنهـا را بـه متابعـت از

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

نظام دستوری آیه در آوردن سوره‌ای مثل سوره قرآن سوق می‌دهد. «جوّسازی تنشی- عاطفی راهی است برای اینکه دینامیسم حرکتی عامل روایی در مسیر معیّنی قرار گیرد و خواستن و بایستن به او دیکته گردد. به نحوی که آزادی عمل و یا انحراف از کنش در فرآیند روایی از او سلب گردد (شعیری، ۱۱۰)».

در درون این آیه می‌توان نظام گفتمانی دیگری را نیز جست‌وجو کرد. در این آیه افترازنندگان می‌توانند برای آوردن سوره‌ای مثل قرآن از هر نیرویی غیر از خدا کمک بگیرند. در این نظام گفتمانی افترا زنندگان به قرآن می‌توانند، توانش سایر منکران را تحت تأثیر قرار داده «**وادعوا مَنِ استَطَعتُم**» و آنها را با خود همراه نمایند. پس در اینجا ما نظام گفتمان هوشمند از نوع القایی را میان منکران و افترازنندگان به قرآن مشاهده می‌کنیم. در این نظام یکی می‌تواند با تأثیر بر دیگری توانش او را به نحوی تغییر دهد و او را به سوی کنشی که می‌خواهد سوق دهد. پس نوع تعامل حاکم در این نظام تعامل ارتباطی از نوع القایی است. چنین القایی خود دارای راهکارهای متفاوتی است مانند القا از طریق چاپلوسی، وسوسه، تهدید، رشوه، اغواء و... است (شعیری، ۱۰۸).

پس در این آیه در برابر ادّعای منکران در مورد غیر الهی بودن قرآن و تولید شدن قرآن توسط پیامبر صلّی‌الله علیه و آله و سلّم خداوند از آنان می‌خواهد از بین خودشان بدون کمک گرفتن از خداوند، در حد یک سوره مثل سوره‌های قرآن بیاورند و ادّعای خویش را ثابت نمایند.

۳- هود، ۱۳: **ام یَقولونَ افتَرهُ قُل فَأتوا بِعَشرِ سُوَر مِثلِهِ مُفتَرَیات وادعوا مَنِ استَطَعتُم مِن دونِ اللّهِ اِن کُنتُم صدِقین.**

این آیه شبیه به آیه سی و هشتم سوره یونس است با دو تفاوت، یکی در میزان تحدّی و دیگری در ذکر کردن قید «مُفتَرَیات».

علامه با توجه به اینکه در این آیه از هر کس غیر خدای تعالی می‌توان کمک گرفت، تحدّی در این آیه را در تمام جهات می‌داند. «تحدّی آیه شریفه شامل تمامی جهاتی است که قرآن

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

متضمّن آن است: چه معارف الهی و چه اخبار غیبی و چه براهین ساطع و مـواعظ حسـنه، و چـه دستورات مهم اخلاقی، و چه شرایع الهی، و چه فصاحت و بلاغت (طباطبایی، ۲۴۲/۱۰)».

در این آیه منکران به پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم تهمت می‌زنند که قـرآن را بـه دروغ بـه خدا نسبت داده است. گفتمان ابتدای آیه می‌فهماند که از نظر منکران، پیامبر صلّی الله علیـه و آلـه و سلّم به عنوان یک بشر می‌تواند چنین محتوایی (به زعم آنان دروغین) را با ایـن سـبک و سـاختار تولید کند. خداوند در برابر این تهمت از آنان می‌خواهد که ده سـوره مثـل ایـن دروغ‌بـافی‌هـا کـه خودتان اعتقاد دارید، بیاورید. «حرف «فاء» در کلمه «فاتوا» تفریع این صیغه امر بر کلمـه «افتـراء» را می‌رساند، می‌فرماید: حالا که قرآن را افتراء می‌دانید پس بیاورید (طباطبایی، ۲۴۱/۱۰)».

پس در اینجا در برابر این اتهام، منکران در برابر نظام کنشی و برنامه‌مدار قرار می‌گیرند تا ده سوره که به اعتقاد خودشان بافته‌هایی دروغین هستند بیاورند. همانند آیـه ۳۸ سـوره یونس در اینجا نیز از گفتمان تنشی- عاطفی برای تحریک گفته‌یابان استفاده می‌شـود و از صداقت آنها سخن به میان می‌آید.

در مورد چگونگی آوردن این ده سوره علامه بیان می‌کند: «آنچه کـه خصـم در آیـات تحدّی مکلّف بدان شده این است که کلامی بیاورد که شبیه قـرآن باشـد، یعنـی عـلاوه بـر بلاغت و معجزه‌آسایی که در عبارات و الفاظ آن هست، مشتمل بر بیان پـاره‌ای از مقاصـد الهی و اغراضی باشد که خدای تعالی آنها را اغراض و اوصـاف کـلام خـود شـمرده اسـت (طباطبایی، ۲۴۸/۱۰)». در واقع علامه با این بیان درصدد روشن کردن این نکته اسـت کـه قرآن اتفاقی شکل نگرفته زیرا در پس یک اتفاق نمی‌توان هدف و غرضی را دنبال کرد. در اینجا هم به آوردن مفتریاتی در ده سوره امر می‌شوند، که این عدد ده می‌تواند نشان دهنـده کثرت باشد (طباطبایی، ۲۵۰/۱۰). به هر حال محتویات این ده سوره باید به گونه‌ای باشـد که یکدیگر را تکذیب نکنند و مجموع این سوره‌ها نشان دهنده غرضی باشند. برای رسیدن به این هدف می‌توانند از هر کس غیر از خدا کمک بگیرند، این دعوت میان منکـران نشـان دهنده نظام القایی است، جهت همراه کردن سایر منکران در این مبارزه.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

۴- الطور، ۳۳ و ۳۴: ام یقولونَ تَقَوَّلَهُ بَل لایُؤمِنون ـ فَلیَأتوا بِحَدیث مِثلِهِ اِن کانوا صدِقین.

در آیه سی و سوم سوره طور ابتدا تهمت دیگری که منکران قرآن از قول خود می‌گویند با قید «تَقَوَّلَهُ» بیان می‌شود. «تقوّل عبارتست از گفتار تحمیلی، و این لغت جز در مورد دروغ استعمال نمی‌شود (طبرسی، ۳۵۹/۲۳)». خداوند دلیل این گفته‌ها را بی‌ایمانی ایشان می‌داند. از همین روست که آنها را در آیه سی و چهارم به تحدّی فراخوانده و بیان می‌کند که گفتاری (حدیثی) مثل آنچه بر پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم نازل شده بیاورند. در اینجا نیز منکران قرآن در مقابل نظام کنشی و برنامه‌مدار قرار می‌گیرند و در برابر ادّعای دروغ خواندن قرآن به سوی کنش سوق داده می‌شوند. در این مسیر از گفتمان تنشی - عاطفی نیز بهره برده و از طریق «اِن کانوا صدِقین» توانش آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد. اما برخلاف سایر آیات، منکران در این آیه به دعوت از سایر همفکران خود در این مبارزه نمی‌پردازند.

علامه تحدّی در این آیه را عمومی‌تر از آیات سوره اسراء، یونس و هود می‌داند و آن را تحدّی مطلق می‌داند در آوردن سخنی که خصایص قرآن را داشته باشد (طباطبایی، ۲۵۱/۱۰).

۵- البقره، ۲۳ و ۲۴: و اِن کُنتُم فی رَیب مِمّا نَزّلنا عَلی عَبدِنا فَأتوا بِسورَهٍ مِن مِثلِهِ وَادعوا شُهَداءَکُم مِن دونِ اللّهِ اِن کُنتُم صدِقین - فَاِن لَم تَفعَلوا ولَن تَفعَلوا فَاتَّقُواْ النَّارَ الَّتی وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الحِجَارَهُ أُعِدَّتْ لِلْکَافِرِین.

خداوند در ابتدای سوره بقره «ریب» را از قرآن نفی می‌کند «ذَالِکَ الْکِتَبُ لَا رَیْبَ فِیهِ هُدًی لِّلْمُتَّقِین» و پس از بیان عظمت قرآن و نیز بیان تهمت‌هایی که کافران و منکران نسبت به پیامبر صلّی الله علیه و آله و سلّم روا داشته‌اند، در آیه بیست و سوم سوره بقره به تحدّی دست می‌زند. در این آیه از کسانی که در قرآن شک همراه با تهمت دارند می‌خواهد که سوره‌ای مثل قرآن بیاورند. در این آیه در مورد مرجع ضمیر در «مثله» اختلاف است که هم می‌تواند به «ما» در «مِمّا نَزّلنا» برگردد و هم به «عبد» در «عَبدِنا». که در برخی از روایات هر دو وجه ذکر شده است (طباطبایی، ۹۲/۱). بنابراین شک آنان هم می‌تواند در مورد منشأ قرآن باشد هم پیام‌آور قرآن که با وجود امّی بودن این قرآن را با خود به همراه دارد و هم می‌تواند ناظر به هر دو وجه باشد. حال خداوند در برابر این شک همراه با تهمت به

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

آنان امر می‌کند که سوره‌ای مثل قرآن بیاورند. ادّعای آنان سبب شکل‌گیری این نظام گفتمانی برنامه‌مدار می‌گردد. در این راستا می‌توانند از گواهان خود به جز خداوند، برای این کار دعوت کنند و در یک نظام گفتمانی القایی آنان را با خود همراه کنند. باز هم در این مسیر توانش آنها تحت تأثیر قرار می‌گیرد و صداقت آنها زیر سؤال می‌رود آنان ناگزیر می‌شوند برای صدق ادّعای خود وارد این مبارزه شوند. «حربه تنشی – عاطفی نه تنها احساس عامل توانشی را برمی‌انگیزد، بلکه سبب می‌گردد تا حافظه چنین عاملی جز در راستای آنچه باید به آن بپردازد، عمل نکند (شعیری، ۱۱۰)».

اما آنچه در انتهای آیات تحدّی می‌آید همان امری است که در آغاز آیات تحدّی (آیه ۸۸ سوره اسراء) به آن اشاره شد و آن عدم موفقیت گفته‌یابان آیات تحدّی به همانندآوری است و نتیجه گفتمان را روشن می‌کند. آیت الله معرفت این امر را سرّ اعجاز می‌داند. در آیه بیست و چهارم سوره بقره عبارت «**ولن تفعلوا**» اخبار از آینده به صورت مطلق است بدین معنا که هرگز و برای ابدیّت هم‌آوردی با قرآن نیاید (معرفت، ۲۲۴). در این آیه نیز ما با گفتمان مشیّت الهی مواجه هستیم که فراتر از هر گفتمانی است. به نوعی گفتمان مشیّت الهی آغازگر و پایان‌بخش آیات تحدّی است.

۵- نتایج مقاله

۵-۱. گفتمانِ اعجاز در قرآن دارای شمولِ زمانی است به نحوی که منکران قرآن، همواره یک سوی این گفتمان قرار می‌گیرند. بررسی ساختار و مقایسهٔ مضامین مشابه آیاتی که اندیشهٔ اعجاز قرآن مُلهم از آنهاست، حاکی از نوعی گفتمان بستهٔ برآمده از دستور است که تابع تغییر وضعیت از شرایط اولیه یعنی نقش انگیزه‌بخشی به شرایط ثانویه یا نقشِ معرفتی است.

۵-۲. در بررسی گفتمان إعجاز، بر اساس الفاظ تأثیر گذارِ آیات تحدّی که از مؤلفه‌های هویت‌ساز گفتمان اعجاز به شمار می‌رود لایه‌های مختلف متنی و فرا متنی در یک رابطه متقابل و هم زمان و با توجه به قالب‌های زبانی و فرا زبانی، تحلیل می‌شوند که حاصل آن، گفتمانی دوسویه است که در آن، یکی از کنشگران انکار و دیگری تحدّی می‌نماید، این امر سبب به وجود

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

آمدن نظام‌های گفتمانی مختلف می‌گردد که با گفتمان رخدادی از نوع مشیّت الهی، آغاز شده و گفته‌یابان را باخبر می‌سازد که قادر نخواهند بود مثل قرآن را بیاورند. سپس گفته‌یابان در مقابل یک نظام هوشمند از نوع کنشی و برنامه‌مدار قرار می‌گیرند.

۵-۳. در این نظام گفتمانی در جهت اثبات صدق ادّعای منکران، توانش آنان در یک گفتمان احساسی از نوع تنشی - عاطفی تحریک شده و آنان در مسیر تحدّی سوق داده می‌شوند. در این آیات گفته‌یابان می‌توانند سایر همفکران خود را نیز با خود همراه کنند و این امر نشان از نظام گفتمان هوشمند از نوع القایی میان منکران دارد. هرچند نتیجه این گفتمان حاکی از عدم موفقیت گفته‌یابان در همانندآوری است.

نمودار ۱ـ نظام‌های گفتمانی درآیات تحدّی

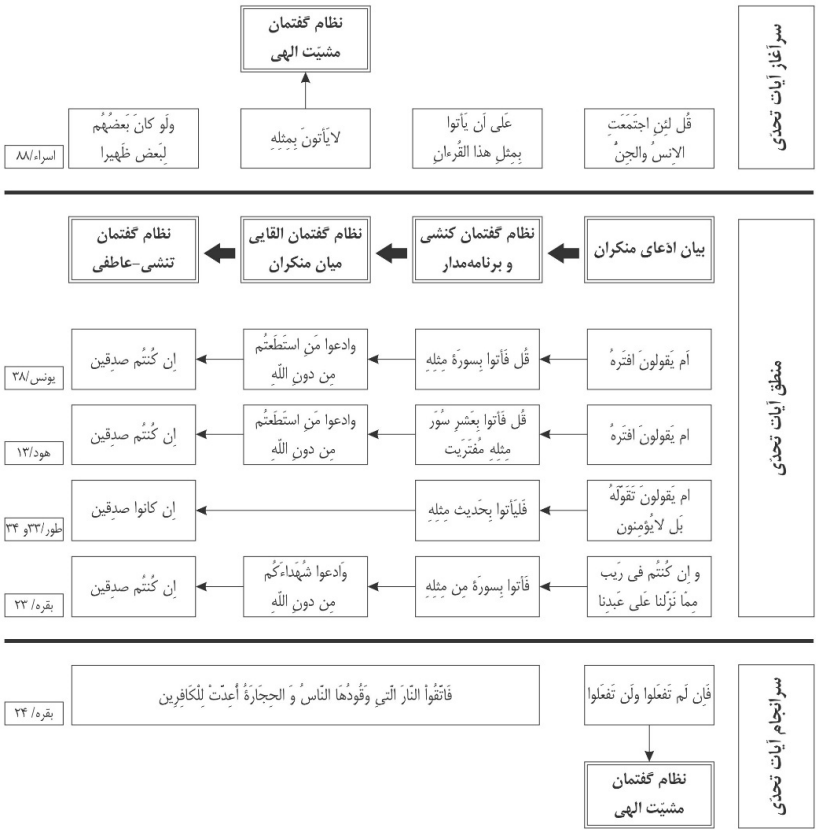

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم

۲. ابن فارس، احمد، ترتیب مقاییس اللغه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم،۱۳۸۷.

۳. اثنی عشری، «چرایی تفاوت آیات تحدّی از دیدگاه علامه طباطبایی در المیزان»، اندیشه علامـه، شـماره ۴، ۱۳۹۵، صص ۷-۲۴.

۴. بشیر، حسن، تحلیل گفتمان دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ۱۳۸۵.

۵. بنت‌الشاطی، عایشه، اعجاز بیانی قرآن، ترجمه حسین صابری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۶.

۶. بهجت‌پور، عبدالکریم، شناخت‌نامه تنزیلی سوره‌های قرآن کریم، تمهید، قم، ۱۳۹۴.

۷. پهلوان، منصور، «تحقیق در وجه اعجاز قرآن کریم»، سفینه، شماره۱، ۱۳۸۲، صص ۵-۱۷.

۸. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی قرآن کریم، اسراء، قم، ۱۳۷۸.

۹. جواهری، محمدحسن، «واکاوی ملاک تحدّی در قرآن و نقد منطق تنزّلی»، فصلنامه علمی -پژوهشی پـژوهش‌هـای قرآنی، شماره ۲، ۱۳۹۵، صص ۱۱۰-۱۳۵.

۱۰. رافعی، مصطفی صادقاعجاز القرآن و البلاغه النبویه، دارالکتب العربیه، بیروت، بی‌تا.

۱۲. روحانی مشهدی، فرزانه، «تبیین ریشه‌های قرآنی اندیشه کلامی اعجاز»، مجله پژوهش‌های قرآن و حدیث، شماره ۲، ۱۳۹۴، صص ۲۲۳-۲۴۶.

۱۳. زرکشی، محمدبن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۰.

۱۴. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و...، دارالکتاب العربی، بیروت، چاپ سوم،,۱۴۰۷

۱۵. سلطانی بایرامی، اسماعیل، «راز تحدّی‌های گوناگون قرآن از منظر استاد مصباح»، شماره ۲، ۱۳۹۱، صص ۸۵-۱۰۸.

۱۶. شکرانی، رضا، مطیع، مهدی (۱۳۸۹)، «گفتمان‌کاوی و کاربست آن در متون روایی»، مجله عیار پژوهش در علـوم انسانی، شماره سوم، ۱۳۸۹، صص ۷۱-۱۰۰.

۱۷. شعیری، حمید رضا، «بررسی انواع نظام‌های گفتمانی از دیدگاه نشانه-معناشناسـی»، مجموعـه مقـالات دانشـگاه علامه طباطبایی،۱۳۸۶، شماره ۲۱۹، صص۱۰۶-,۱۱۹

۱۸. صانعی‌پور، حسن، آسه، جواد، «راز تحدّی‌های گوناگون قرآن»، پژوهشـنامه معـارف قرآنـی، شـماره ۲۲، ۱۳۹۴، صص ۱۵۹-۱۸۲.

۱۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین، تفسیرالمیزان، به ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴.

۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، تفسیر مجمع البیان، به ترجمه حسین نوری همدانی، فراهانی، تهران، چاپ اول، بی‌تا.

۲۱. طریحی، فخرالدین، مجمع‌البحرین، تحقیق احمد حسینی شکوری، مرتضوی، تهران، چاپ سوم،۱۳۷۵.

فخررازی، محمدبن عمر، مفاتیح الغیب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰.

۲۲. کوبلی، پاول، نظریه‌های ارتباط، احسان شاقاسمی، پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران،۱۳۸۷.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

۲۳. مامقانی، ملا عبدالله، نهایه المقال فی تکمله غایه الآمال، مجمع الذخائر الاسلامیه، قم، ۱۳۵۰.
۲۴. معرفت، محمدهادی، علوم قرآنی، سمت، سازمان، چاپ هشتم، ۱۳۹۳.
۲۵. نجارزادگان، فتح‌الله و شاهمرادی، محمد مهدی، «معیارشناسی مثلیّت در آیات تحدّی»، مطالعات اسلامی: علوم قرآن و حدیث، شماره پیاپی ۸۸، ۱۳۹۹، صص ۱۱۷-۱۳۱.
۲۶. وفایی، ترانه و شعیری، حمیدرضا، راهی به نشانه-معناشناسی سیّال با بررسی موردی ققنوس نیما، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۸.
۲۷. یارمحمدی، لطف‌الله، گفتمان‌شناسی رایج و انتقادی، هرمس، تهران، ۱۳۸۸.

[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]

[DOR: 20.1001.1.20080417.1400.14.28.6.2]
[Downloaded from pnmag.ir on 2026-11-25]